

نظریات نویسندگان معاصر تشیع ایرانی در مورد اصحاب پیامبر (ص)

مقدمه:

تلاش و کوشش افراد دلسوز و مومن از سوی خیر خواهان مورد تعریف و ستایش قرار میگیرد اما مغرضان و آیدای آنان این زحمات را حقیر و ناچیز پنداشته و به سب و لعن آنان می پردازند.

اولین شاگردان مکتب رسالت که جام علم و عشق را از دستان مبارک پیامبر اکرم (ص) نوشیدند، جهت اشاعه اسلام رشادت هایی بی نظیر را در صفحه تاریخ به یادگار گذاشتند، در نخستین گام خداوند متعال رضایت خود را از آنان در کتاب خویش اعلام نمود و ایمان آنها را معیار و سنجشی برای آینده گان قرار داد، سپس پیامبر اکرم نیز که از نزدیک شاهد دلاوری هایشان بود، فضایل و برتری صحابه را علنا اعلام میکرد و خود صحابه که از حقیقت زندگی خویش آگاهی داشتند سخنانی را در توصیف یک دیگر می گفتند که کتب تاریخ شاهد آن است.

و همچنین تابعین که با اصحاب پیامبر از نزدیک ملاقات داشتند تک تک فضایل آنها را بر شمرده اند.

با این همه تعریف و تمجید از پیشگامان نخستین، خوارج و منافقان با نگاهی تنگ و مغرضانه بر ساحت مقدس اصحاب یورش می بردند و سعی در پنهان کردن حقیقت دارند.

اما در میان آنان افراد روشنفکر و حقیقت یاب کلماتی را در شأن اصحاب بکار می برند که خالی از هر نوع تعصب است.

دکتر عبدالحسین زرین کوب ، مرتضی مطهری ، علی شریعتی ، حسن نصر و عبدالکریم سروش که از نویسندگان معاصر هستند در تالیفات خود حقیقت مدفون شده را بر ملا می کنند.



آثار این نویسندگان معاصر تشیع در واقع حاکی از عشق و علاقه وافر آنان به جان فدایان نبی اکرم است که بصورت جوهر بر روی صفحات نقش بسته اند.

مطالب محوری:

دکتر عبدالحسین زرین کوب

دکتر عبدالحسین زرین کوب در ۲۷ اسفند ماه ۱۳۰۱ شمسی در بروجرد، چشم به جهان گشود. وی مسلمان و دارای مذهب تشیع است. دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان برد. در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد. و چند سال مشغول به کار معلمی شد. سرانجام در سال ۱۳۲۴، در رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران قبول شد. به هر تقدیر، دکتر زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد و سال بعد وارد دوره دکترای رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید.

دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا، برای تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری، کار خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و مجادلات فرق پرداخت.

در سال های ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاه های کالیفرنیا و پرینستون به تدریس علوم انسانی پرداخت، سپس به دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد.

دکتر زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم درگذشت.

تالیفات: با کاروان حله، شعر بی دروغ، سر نی، بحر در کوزه، پله پله تا ملاقات خدا، پیر گنجه در جست و جوی ناکجا آباد، دو قرن سکوت، تاریخ ایران بعد از اسلام، روزگاران ایران، روزگاران دیگر، فرار از مدرسه،

دکتر عبدالحسین زرین کوب از جمله واقع بینانی است که به مقام شامخ و رفیع صحابه واقف بوده است و تعریف و تمجید از رشادت و مجاهدت های اصحاب پیامبر (ص) به وفور در کتاب هایش یافت می شود که اگر همه ی آنها گرد آورده شوند از توان این مقاله خارج است بنابراین به اختصار جملاتی از کتاب های « تاریخ ایران بعد از اسلام » و « بامداد اسلام » را گلچین کرده ایم که در ادامه توجه شما را به آن جلب می کنم.

کتاب تاریخ ایران بعد از اسلام

این ابوبکر یار غار پیغمبر بود و دخترش عایشه (رضی الله عنها) در هنگام وفات پیغمبر محبوب ترین زنان بشمار می آمد. خود وی از قریش بود، و نخستین کسی بود که در بیرون سرای محمد دعوت او را پذیرفته بود می گویند: چهل هزار درهم مکنت خویش را که در عهد جاهلیت از راه بازرگانی اندوخته بود در راه مسلمانی در باخته بود. این مایه مکنت در آن روزگار با رونقی که بازرگانی اهل مکه در آن زمان می داشت بسیار نبود. لیکن وقتی ابوبکر همراه پیغمبر از مکه به مدینه هجرت گزید از این مایه مکنت بیش از پنج هزار درهم برای وی نمانده بود با آنچه از این مایه خرج کرده بود عده ایی از اسیران و بندگان را که به سبب قبول اسلام دستخوش آزار و جفای خواجگان خویش گشته بودند آزاد کرده بود.

وی پیش از بعثت محمد هم با وی دوستی می ورزید و در عهد اسلام نیز در مکه و مدینه همواره نزد پیامبر حرمت و مکانت داشت حتی در آخرین روز های حیات محمد نیز که پیغمبر را از تاب بیماری یارای حرکت نبود وی چند بار به جای او در مسجد پیش نماز مسلمانان شده بود از این

روخلاف او را بعد از گفت و شنودی که در سقیفه ی بنی ساعده گذشت بیشتر مهاجرین و انصار بطیب خاطر پذیرفته اند.

وقتی یکی از مسلمانان او را خلیفه خدا خواند با فروتنی گفت: نه من خلیفه خدا نیستم خلیفه رسول خدایم. هنگام مرگ وصیت کرد تا او را در دو پاره جامه که در آنها نماز خوانده بود کفن کنند، دخترش عایشه پیشنهاد کرد که دستوری دهد تا او را در پارچه یی تازه بپسچند، پذیرفت و گفت: زندگان بیشتر به پارچه حاجت دارند تا مردگان، زیرا کفن برای خاک است.

در مورد خلیفه دوم مسلمانان **حضرت عمر** (رضی الله عنه) چنین قلم فرسایی می کند؛

می توانست آسوده زندگی کند و برای کسان خویش نیز مایه آسودگی فراهم کند اما به اختیار خویش از شاد خواری و آسایش جویی می گریخت. جبه پشمین او غالباً از چرم پینه داشت در غذا چندان صرفه جویی می کرد که هیچ کس دوست نداشت یک لقمه از طعم او بخورد.

حتی در عام الرماد که خشکسالی سختی بود و نه ماه طول کشید خلیفه نیز مثل همه بینوایان عرب گرسنه بود از بس روغن زیتون را خام یا پخته خورده بود رنگ چهره اش گشته بود در این روزهای سخت برای بینوایان مدینه غالباً به تن خویش خوردنی می برد، انبان خوردنی، آرد روغن و زیتون به دوش می کشید و حتی به بیرون مدینه می برد کسانی را که از بیبرگی و درماندگی بیابان خشک هولناک را رها می کردند و به مدینه هجوم می آوردند جاه و پناه می داد.

در آنچه تعلق به بیت المال داشت دقت بی نهایت می ورزید، حتی وقتی شترهای زکات را برای بیت المال می آوردند.

با نهایت دقت به آنها رسیدگی می کرد مکرر او را در زیر آفتاب سوزان می دیدند که سر و کمر را با لنگی سیاه بسته است و شترهای زکات را می شمارد، دندانهای آنها را نگاه می کند آنها را بدست خویش قطران می مالد و رنگ آنها را یادداشت می کند.

برای خود جز بدان قدر که معاش او بود از بیت المال بر نمی گرفت، جامه ای را که بر تن داشت تا ژنده و فرسوده نمی شد نمیکنند و بجای آن چیز دیگر نمی پوشد. در رسیدگی به کار عامه مبالغه ای بحد افراط داشت. روزها با تازیانه ای که در دست داشت در کوی و بازار می گشت و هر جا پیش او شکایت می آوردند همانجا می ایستاد و رسیدگی می کرد، شب ها در شهر و بیرون مدینه می گشت و از هر چه می رفت آگاهی می یافت، دلش می خواست از شهری به شهری برود در هر جایی یک یا دو ماه بماند مردم را از نزدیک ببیند با آنها حرف بزند و کارها و نیازهایشان را بر آورد. غالباً می ترسید عاملان نگذارند که ستم رسیدگان به خلیفه راه جویند و یا خود دوری راه آنها را از دیدار خلیفه باز دارد. از این رو هر کس از دست عاملی شکایت داشت عامل را می خواست و او را با آن کس که از وی شکایت داشت می نشانند و رسیدگی می کرد، اگر حق با شکایت گر بود بدون هیچ ملاحظه ای داد او را می داد و حق او را از ظالم می ستاند.

وقتی هم عامل را به جایی می فرستاد نزد عده ایی از مهاجرین و انصار با او عهد می کرد که بر مرکب تند رفتار ننشیند، جامه فاخر نپوشد و خوردنی دلپذیر نخورد و برای خانه خویش در نسازد تا مردم از وی دور نمانند.

با این همه وقتی عاملی را به ولایتی گسیل می کرد حساب دارایی او را می گرفت و چون او از آن عمل باز می گشت اگر مالش افزوده بود از آن فزونی نیمی را برای بیت المال می گرفت، در کار این عاملان و گماشتگان خویش همواره مراقبت می نمود، از هیچ کس شکایتی نمی رسید الا بدقت در آن داوری می کرد مکرر می گفت: که این عاملان نه برای آن فرستاده می شوند که بر مردم ستم کنند (و بین آنها بعدل و صواب حکم برانند) بل برای آنکه مردم را با دین و سنت آشنا نمایند و اموال و غنایم را در میان آنها پخش کنند.

گمان می کرد که اگر در قلمرو خلافت وی بر کسی ستم رود و وی در رفع آن نکوشد مسئول و گنهکار است.

کتاب بامداد اسلام

دکتر زرین کوب در کتاب ارزشمند «بامداد اسلام» با جملاتی زیبا و واقعی به تعریف و تمجید از خلفای راشدین می پردازد که خود دلیلی بر شناخت و محبت دانشمند و محقق شیعی از مقام شامخ صحابه و بالخصوص خلفاء راشدین می باشد.

سخنانی که شایسته است که با آب طلا بر سر میادین حک شوند.

« خلفاء مانند خود پیغمبر در نهایت سادگی بسر می کردند و امارت آنها جنبه حکومت و دولت نداشت فرمانروایی روحانی و معنوی بشمار می آمد و از حشمت و شکوه پادشاهان خالی بود - این خلفاء - که عنوان راشدین برازنده آنها بود. غالبا جامه هایی خشن می پوشیدند با پینه های درشت بر جامه در کوچه و بازار پیاده راه می رفتند، آن هم با کفش ساده ای که عبارت بود از پاره ایی تخته با تسمه ایی که آن را به پای می پیوست.

خورش آنها نیز غالبا ناچیز، اندک و بی تکلف بوده چنانکه عسل مصفی و مغز گندم را تکلفی می شمردند. این روح قناعت و سادگی خلفاء البته در بین دیگر مسلمانان و بیشتر تربیت یافتگان محمد - در بیشتر عهد خلفای راشدین - جلوه داشت و همین نکته بود که آنها را در اکثر جنگ ها کامیابی و پیروزی می داد. با چنین روح قوی و با چنین شور حماسه ایی بود که اعراب و مسلمین در عراق با دستگاه متزلزل ساسانیان رو به رو شدند.

دکتر علی شریعتی

دکتر شریعتی به سال ۱۳۱۲ در سبزوار در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. وی مسلمان و دارای مذهب تشیع است. دکتر شریعتی برای تحصیل وارد دبستان شد و پس از شش سال وارد دانشسرای مقدماتی در مشهد شد. و پس از پایان تحصیلات در دانشسرا به آموزگاری پرداخت.

شریعتی در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد گشت و رشته ادبیات فارسی را برگزید. معلم انقلاب در سال ۱۳۳۷ پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد. وی در آنجا به تحصیل عمومی چون جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ و تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۴۴ اداره فرهنگ مشهد، استاد جامعه‌شناسی و فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن را بعنوان آموزگار در یکی از روستاهای مشهد استخدام میکند، و سپس در دبیرستان بتدریس می‌پردازد و بالاخره به عنوان استادیار تاریخ وارد دانشگاه مشهد میشود. در سال ۱۳۴۸ به حسینیه ارشاد دعوت میشود و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی می‌پردازد.

و چند سالی را در الجزایر گذراند شریعتی که از نزدیک با فعالان و اندیشمندان اهل سنت در الجزایر و ... ارتباط داشت، از نزدیک با افکار اهل سنت آگاهی یافت و این سبب گردید تا با دیدی وسیع‌تر به عقاید و شخصیت‌های اهل سنت بنگرد.

دکتر در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ تهران را بسوی اروپا ترک گفت. سرانجام در روز یکشنبه ۲۹ خرداد ماه ۱۳۵۶ به دیار باقی شتافت.

آثار مهم شریعتی

مجموعه آثار، تشیع علوی و تشیع صفوی، اسلام‌شناسی،

شریعتی از اسلام آوردن عمر و تاثیر آن بر جمع‌اندک مسلمانان و جایگاه وی به نزد پیامبر اسلام می‌گوید: «عمر، چهلمین کسی که در مخفی‌گاه پیغمبر - خانه‌ی ارقم بن ابی ارقم - به اسلام گروید و با پیوستن او و حمزه به جمع‌اندک و ضعیف‌یاران نخستین پیغمبر، مسلمانان نیرو گرفتند و آشکار شدند و از آن هنگام، همه‌ی نیروی خویش را وقف پیشرفت این نهضت کرد و از نزدیک‌ترین یاران پیامبر و برجسته‌ترین مهاجران بود و مردم او را - که پدر حفصه، ام‌المؤمنین، نیز بود - از

رهبران بزرگ و اصحاب کبار رسول خدا می‌دانستند و در کنارشان، ابو عبیده مهاجر بزرگ و پیش‌گام است و عثمان...». (مجموعه آثار: ۱۹۲/۲۱)

در ادامه توجه شما را به دیدگاه ایشان در مورد اینکه ابوبکر صدیق جزو مسلمان نخستین است جلب می‌کنم آنچه که می‌فرماید:

پیغمبر گفته است: هیچ کس را به اسلام نخواندم که در پذیرش درنگی نکند، جز ابوبکر که تردیدی نکرد. اسلام شناسی / چاپ طوس / ص ۶۱۷

ارادت و محبت شریعتی نسبت به خلیفه دوم نیز چنین بروز می‌کند:

سال ششم با اسلام عمر بن خطاب و حمزه، اسلام قوّت گرفت. اسلام شناسی / چاپ طوس / ص ۱۴۴
اگر سایر آثار شریعتی را هم بررسی کنیم، ارادت‌های دیگری از او نسبت به اصحاب پیامبر علیه السلام والصلوة می‌بینیم که بسیار خردمندانه و عاقلانه صورت گرفته است. مجال سخن کوتاه است و نمی‌توان در این مقاله کوتاه به تک تک حقایق معترف وی اشاره کرد، اما برای سخن پایانی به این نکته بسنده می‌کنیم.

و این سخنان علی شریعتی است که خلیفه دوم را خدمتگذار اسلام معرفی می‌کند:

عمر مردی است بر خلاف ابوبکر، خشن و متعصب و بسیار جدّی و به اصطلاح اروپایی‌ها عنصری است اصولی. در اجرای آنچه عدل می‌داند و اصل، کمترین نرمشی و گذشتی ندارد. خدماتش در اسلام روشن‌تر از آن است که به توصیف و استدلال نیاز داشته باشد. ورود او به جمع اندک یاران محمد در مکه، آنان را نیرومند ساخت هر گاه سخن از تصمیمی یا قضاوتی درباره دشمنی یا دشمنان در میان بود که به اسارت مسلمانان افتاده بودند، پیشنهاد ابوبکر آزادی و محبت بود، اما جمله‌ای که همواره عمر در این مورد تکرار می‌کرد، این بود: «ای رسول خدا! اجازه بده تا گردنش را بزنم.»
اسلام شناسی / چاپ طوس / ص ۴۲۷، مجموعه آثار: ۲۲۸/۲۸

علم، ریشه آگاهی و فهم است و آن کس که می داند باید بنویسد و مردم را آگاه سازد، و گرنه این را دینی بر گردن خود می بیند. تمام سعی این سطور در این بوده تا برخی گفته ها و نوشته های صحیح جناب دکتر علی شریعتی را بازگو سازد و بیان کند که او بر خلاف ادعایش که خود را شیعه می داند، با قلم و گفتار با خلفای بر حق بیعت نموده است. این گفته ها مشتق بود از حقایق دکتر شریعتی که نمونه خروار است و بررسی و بازگویی تمام حقایق فرصت بیشتری می طلبد. که از حوصله ای جانب و مقاله خارج است.

اما یثرب «مدینه» محمد شهری است با دو دروازه باز بر روی جهان از یکی چهره های آرام و مهربان که پرتو عشق به خدا و مردم از آن ساطع است. پیشانی هایی که از ایمان و یقین موج می زند دامن هایی پاک و آراسته، با تقوی چشم بر زمین دوخته و دل به آسمان پرداخته گویی حواریون مسیح اند. پیاده یا سوار بر شتری نرم خوی راه صحراهای مخوف و آتش خیر نجد و نفوذ و ربع الخالی را دسته دسته در پیش می گیرند و پیام صلح و دوستی را می برند و دل‌های پر کینه و روح های آلوده را با آبهای زلال که از سرچشمه وحی خداوندی آورده اند می شویند و عطر خوش عشق و ایمان و بذر مقدس آزادی و بینایی و نوید را در ضمیر قبایل می افشانند. اهل صفا مردانی که سازندگان بزرگترین حادثه تاریخ بشرند و ویران کنندگان بزرگترین امپراطوری های نظام عالم! اینان را در صحنه جنگ از سربازان رومی و پارتی نمی توان باز شناخت و بر روی صفا از راهبان هندی و یاران بوط و مسیح کسانی که از هر چه در زندگی هست صفا را برگزیده اند. شب ها و روزها غرق در جذبه های عاشقانه روح مستقل خویش؛ گویی سوختگان خلوت عرفانند و سودایی عشق خدا؛ گرم بحث و تفکر و تحقیق و گویی شاگردان باغ افلاطون اند و آموختگان حکمت مشاء آلن دست بر قبضه شمشیرهایی که ده سال است همچون صاحبانشان به خانه بازنگشته اند و در بستر نخفته اند؛ بی تاب خون؛ چشم در چشم جهاد و گوش بفرمان محمد گویی جنگجویان سزارند.

دکتر شهید مرتضی مطهری

دکتر مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان بدنیا آمد. در سن ۱۲ سالگی به حوزه علمیه مشهد [استان خراسان رضوی] عزیمت نمود. در سال ۱۳۱۶ برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم می‌شود. استاد مطهری مسلمان و مذهب ایشان تشیع است.

و بعد از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۳۱ در حالی که از مدرسین معروف و از امیدهای آینده حوزه به شمار می‌رود به تهران مهاجرت می‌کند و در تهران به تدریس در مدرسه مروی و تألیف و سخنرانیهای تحقیقی می‌پردازد.

مرتضی مطهری، سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ به وسیله گروهک فرقان به شهادت رسید.

برخی از آثار استاد مطهری:

سیری در نهج‌البلاغه، نظام حقوق زن در اسلام، خدمات متقابل اسلام و ایران، وحی و نبوت، انسان در قرآن، بیست گفتار، آشنایی با قرآن

کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران

از جمله کتاب‌های ایشان کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران است وی با تعبیری کوتاه و زیبا در مورد صحابه حقیقت مدفون شده را از میان آوارها به سلامت بیرون می‌آورد و می‌نویسد:

«ممکن است گفته شود که علت پیروزی مسلمانان شور ایمانی و هدفهای روشن و ایمان و اعتقاد آن‌ها به رسالت تاریخی شان و اطمینان کامل به پیروزی و بالاخره ایمان و اعتقاد محکم آنان به خدا و روز جزا بود البته بر اینکه این حقیقت در این پیروزی خیلی دخیل بوده است حرفی نیست، فداکاری‌ها و جانبازی‌های آنان و سخنانی که از آنان در آن اوقات باقی مانده نشان می‌دهد که ایمان آنان به خدا و قیامت و صدق رسالت نبی اکرم و رسالت تاریخی خودشان کامل بوده است.

سخنانی که در مواقع مختلف در مقام تشریح هدف های خود گفته اند نشان می دهد که صد در صد آگاهانه گام بر می داشتند و هدف مشخص و معینی داشته اند و واقعا آنچه آنچنان بوده اند که علی علیه السلام توصیف می کند: «و حملوا بصائرهم علی اسیافهم» نهج البلاغه خطبه-۱۴۸ همانا بینش های روشن خویش را بر دوش شمشیرهای خویش حمل می کردند این تعبیر را امیرالمومنین برای مومنان زمان رسول خدا (ص) آورده است. صفحات ۷۶-۷۷

دکتر سید حسین نصر

سید حسین نصر سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. نصر مسلمان و دارای مذهب تشیع است. وی تحصیلات ابتدایی را در تهران به پایان رساند. در دوازده سالگی در مدرسه شبانه روزی پدی در نیوجرسی آمریکا ثبت نام کرد. سید حسن نصر برای ادامه تحصیلات دانشگاهی انستیتوی تکنولوژی ماساچوست را برگزید. در همان زمان بورس تحصیلی به او تعلق گرفت. بالاخره توانست با کارنامه ای درخشان فارغ التحصیل شود. تحصیلات تکمیلی خود را سپس در دانشگاه هاروارد آغاز کرد و پس از دریافت کارشناسی ارشد در رشته ژئوفیزیک دو سال بعد در سال ۱۹۵۸ در رشته تاریخ علم با گرایش علوم اسلامی با درجه دکتری فارغ التحصیل شد.

پس از چندین سال تدریس در دانشگاه های مختلف در آمریکا، بالاخره پیشنهاد کرسی دائم استادی در دانشگاه جرج واشینگتن به وی داده شد که او هم پذیرفت و تا به امروز در همانجا است. آثار مهم دکتر نصر عبارتند از:

جوان مسلمان و دنیای متجدد، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، تاریخ فلسفه اسلامی (با همکاری هانری کربن)، آرمانها و واقعیات اسلامی، محمد، مرد خدا، مکه مکرمه و مدینه منوره

حقیقی که در کتاب های دکتر نصر در مورد یاران جان فدای پیامبر ذکر شده اند گوشه ای از ارادت ایشان نسبت به اصحاب پیامبر است.

کتاب آرمان و واقعیت های اسلام

دکتر سید حسن نصر در کتاب آرمان و واقعیت های اسلام ابتدا به بررسی ویژگی های پیامبر می پردازد و چنین می گوید:

«پیامبر از صفت بلند همتی به کامل ترین معنای آن برخوردار بود، نفس او عظمتی را که برای هر مسلمانی محسوس است به نمایش گذاشته است برای مسلمانان پیامبر (ص) شرافت و مجسم است. این رفتار پیامبر در رفتار او با اصحابش به ظهور رسیده است.

و در مورد اصحاب پیامبر می گوید:

« و این اصحاب در واقع اسوه های دوره های بعدی بوده اند و همه ی نسل های مسلمانان از آنها الگو گرفته اند.»

پیروی از سنت پیامبر و محبت اصحاب آن در بین یارانش واقعیتی غیر قابل انکار است که در تقریرات دکتر نصر به آن اشاره شده است.

« خانواده و یاران (ص) که طی دوران زندگی آن حضرت همراهش بودند تاثیرات سنت او را با ژرفای خاصی که نتیجه تماس با پیامبر بود در روح و روان خویش نقش کردند وقتی کسی با فرد فوق العاده ای دیدار می کند تا تاثیر این دیدار همیشه همراه او است بنابراین [پیدا است که] تاثیر پیامبر بر روی افراد چه قدر عظیم بوده باشد: دیدار با پیامبر آن قدر فراتر از تجربه ی عادی امروز بود که در تصور آدمی نمی گنجد نسل اول مسلمانان با کمال شور و ایمان که ناشی از همراهی آنان به منبع وحی و حضور برکات یا رحمت پیامبر در میان آنان بود به این سنت عمل کردند. آنها نیز به نوبه ی خود سرمشق نسل بعدی قرار گرفتند.

در مورد خلفای راشدین می نویسد:

« طی این دوره تعالیم قرآن و سیره پیامبر (ص) را نه فقط در مورد شرایط موجود از قبل بلکه در مورد وضعیت های نوینی هم که در اثر گسترش سریع اسلام در خارج از فضای همگن جزیره العرب ایجاد می شد به کار می بستند فتح بخش هایی از امپراطوری بیزانس و براندازی ساسانیان ، مسائل بسیاری را موجب شد و مردمانی که همه ی آنها اصحاب پیامبر بودند مردمانی که بیشتر علاقه مند به خدمت به اسلام بودند تا به یک قدرت جهانی اصول مقرر شده از قبل را برای حل و فصل آن مسائل به کار می بستند.

دکتر عبدالکریم سروش

دکتر عبدالکریم سروش در سال ۱۳۲۴ تهران متولد شد. دکتر سروش تحصیلات ابتدایی را در تهران به پایان برد و سپس وارد دبیرستان و در رشته ریاضی دیپلم گرفت. پس از پایان دبیرستان دکتر سروش در آزمون سراسری دانشگاهها در دو رشته فیزیک و داروسازی شرکت کرد و در هر دو قبول شد و بلاخره داروسازی را انتخاب نمود و وارد دانشگاه تهران شد و پس از آن رهسپار لندن شدند.

آقای دکتر سروش در دانشگاه لندن ابتدا در رشته شیمی تحلیلی ثبت نام نمود و پس از آن به مدت پنج سال و نیم در رشته تاریخ و فلسفه علم به تحصیل پرداخت. وقتی انقلاب شروع شد دکتر سروش به ایران بازگشت. در ایران او به دانشگاه تربیت معلم رفت و به سمت مدیریت گروه تازه تاسیس فرهنگ اسلامی منصوب شد.

دکتر سروش در سال ۱۳۷۵ تدریس در دانشگاه را ترک کرد، وی دروس زیر را در دانشگاه تدریس می نمود: فلسفه علم ، فلسفه تاریخ ، فلسفه دین یا کلام جدید.

برخی از کتابهای نوشته شده توسط دکتر سروش چنین است :

بسط تجربه نبوی، حدیث بندگی و دلبردگی، درسهایی در فلسفه علم الاجتماع، رازدانی
روشنفکری و دینداری، قصه ارباب معرفت، قمار عاشقانه، بسط تجربه

کتاب بسط تجربه نبوی

از دیگر دانشمندان معاصر که با حقایق زندگی صحابه آشنا بود دکتر عبدالکریم سروش است که
در کتاب گرانسنگش بسط تجربه نبوی ایمان صحابه را این گونه به تصویر می کشد:

«مومنانی که در زمان پیامبر (ص) در گذشتند و نماندند تا حوادث پس از پیامبر را ببینند و بدانند
همانقدر مومن بودند که بعدی ها...»

در ادامه در همین کتاب در دفاع از سیدتنا عایشه صدیقه رضی الله عنها در مورد شان نزول آیات
قرآن به صورت استفهام انکاری می پرسد!!!

« اگر به عایشه تهمت رابطه نامشروع داشتن با مردی دیگر را نزده بودند آیا آیات ابتدای سوره نور
نازل می شود؟!!!!»

نتیجه گیری

حقیقت گویی از صفات افرادی است که متصف به صفت علم هستند و بدور از هر گونه اغماض
و اهمال معترف باشند به آنچه که جهانیان به آن معترف اند.

اما آنچه که مُسَلَّم است این است که این حقیقت گویی هایی که گذشت فقط گوشه ای از کتب
این نویسندگان را به خود اختصاص داده و چه بسا در سایر آثارشان با شدت و تعصب به نکوهش
و توهین ابه پرداخته اند.

اما نکته حقیقی که از این مطالب برداشت می شود آن است که این تعریف و تمجیدها جرعه ای از روشنایی در دریای ظلمت است که می تواند شاه راه هدایتی برای هم نظرانی همانند آنها باشد.

و دیگران بتوانند با الهام از این دیدگاهها، بسوی دست یابی به حقایق پوشیده در مورد صحابه مایل شوند و دست به تحقیق و مطالعه زده و سرانجام محب یاران با وفای رسول گردند. و همچنین این مقاله تحفه ای باشد عزیز و گرانقدر در بین محبان صحابه مبنی بر اینکه خود نویسندگان شیعه قلم در تعریف صحابه برداشته اند.

امید است مورد قبول درگاه حق واقع گردد و مشتاقان حظی وافر و استفاده ای جامع از آن ببرند.

زاهد نارویی

۱۳/۲/۱۴۴۰

۲۱/۷/۱۳۹۸